

فصل دوم برنامه تلویزیونی «نسیمی‌شو» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی پرهام عمرانی و اجرای هدیه بیدی، از جمعه ۲۹ فروردین ۱۴۰۴ روی آنتن شبکه نسیم رفت. این فصل که پس از پایان فصل نخست در تیرماه ۱۴۰۳ به نمایش درآمده، با تغییراتی جدید بازی‌گردد، در این فصل، هدیه بیدی به‌عنوان مجری و سردبیر برنامه، همراه باماهان راسخ وپویان قمی به‌عنوان

«نسیمی‌شو»
به آنتن بازگشت

پایتخت تمام شد اما به پایان نرسید

«جام جم» در شب اکران مردمی پایتخت، در کنار مخاطبان بود تا از متن و حاشیه این مراسم گزارش دهد



حوزه‌های مختلفی می‌پردازد. برنامه‌نسیمی‌شو به‌عنوان صدای مخاطبان، انتقادات و نظرات آنها را از طریق شماره ۱۶۲ دریافت می‌کند و نقد و بررسی‌های صریحی از تولیدات شبکه نسیم ارائه می‌دهد. در این فصل، پویش «پادرمیونی» با محوریت تقدیر از افراد تاثیرگذار جامعه ادامه خواهد یافت. همچنین، برنامه به دنبال ایجاد فضایی برای تعامل بیشتر با مخاطبان خود است.

یک ساعتی از غروب گذشته و محوطه سالن اصلی مرکز همایش‌های برج میلاد، آرام‌آرام میزبان جمعیتی از مخاطبان سریال پایتخت می‌شود که برای تماشای آخرین قسمت از این مجموعه،

سرمای غافلگیرکننده تهران را به جان خریده‌اند. مراسم قبلی مربوط

به وکلای دادگستری بوده و خیلی‌های‌شان بدون این‌که از مراسم امشب باخبر باشند، با ماشین پرنده پایتخت عکس یادگاری می‌گیرند و از این‌که خبرنگار و عکاس به آخر مراسم رسیده، تعجب می‌کنند. در ورودی VIP که قرار است خبرنگاران از آن وارد شوند، چند خانواده ایستاده‌اند و از این‌که اجازه ورود به این بخش را ندارند ناراحت هستند و سرما را بهانه می‌کنند.

سالن اصلی مرکز همایش‌ها در حال آماده شدن برای میزبانی از مردم و پایتختی‌هاست. نوراکم کرده‌اند تا تست صدا و بقیه مراحل قبل از مراسم نهایی شود. بازیگران رحمان و رحیم در حال تمرین کردن قطعه‌ای مازندرانی هستند و گاهی با هم می‌خوانند و دوباره سکوت در فضای سالن برقرار می‌شود.

مدیر برج میلاد در کنار کارکنانی است که هماهنگی‌های نهایی مراسم را انجام می‌دهند تا میزبان خانواده نقی معمولی و مردم باشند. از رفت و آمدهای پشت سالن می‌توان فهمید که خانواده معمولی کم‌کم وارد سالن می‌شوند تا در

بخش VIP پذیرایی شوند. خبرنگارها و عکاس‌های خبری به سمت هر بازیگر می‌روند تا شانس خود را برای مصاحبه امتحان کنند. ریما رامین‌فر به همراه آتیبه جاوید(بازیگر نقش جمیله همسر نقی) به میان عکاسان می‌روند تا تصاویر این اکران کامل شود.

اما ماجرای اصلی درست جایی است که اگر همین سالن را پشت‌سر بگذاری، میان مردم و باید بدن صف ورودی شکل می‌گیرد. اصلا قابل باور نیست که ظرف حدود ۲۰ دقیقه، چنین جمعیتی پشت در اصلی صف ایستاده‌اند. انگار تنها صفی است که می‌توان از تماشای مردم و ایستادن‌شان لذت برد؛ تنها صفی که می‌توان خون دل نخورد که چرا باید برای بسته فلان قدر تومانی، یک ساعت در صف بمانند. دست‌کم حال‌شان در این ورودی و اینجا، خوب است و با اشتیاق منتظر تماشای بازیگرانی هستند که ساعت ۲۱ با آنها همراه بودند



سیده اشرفی گروه رسانه

و شب بیست‌ودوم را قرار است با آنها به تماشای پایتخت بنشینند. مردی با موی سپید که به‌سختی سرباست، دست دو نوه‌اش را گرفته و درست در بخش ورودی، ایستاده. امید دارد که بتواند جزو اولین‌هایی باشد که وارد سالن می‌شوند.

لا بد خانواده‌ای که شانس‌شان برای ورود از سمت VIP به

درسته خورده هم اینجا ایستاده‌اند و مسیر را پیدا کرده‌اند.

نمی‌شود خبرنگار باشی و از تماشای مردم در صفی که با حال خوب ایستاده‌اند، لذت نبری. رنگارنگی مردم را اینجا بهتر از هروقت دیگری می‌شود تماشا کرد. رنگارنگی‌هایی که درست مثل شعب اخذ رای می‌توانی از هر سن و باور و تفکری، سراغ بگیری. مادری که با دو دخترش ایستاده، می‌گوید، نمی‌دانسته این قدر قرار است با هوای سرد مواجه شوند. ابتدا از مصاحبه پرهیز می‌کند و کمی بعد که متوجه می‌شود قرار نیست تصویری از او ثبت شود، به دخترش اشاره می‌کند و می‌گوید: «به خاطر این دخترم آدم». بهار ۹ ساله

با خنده کنار مادرش ایستاده، می‌خندد و می‌گوید که عاشق پایتخت است. مادر بهار هم از این می‌گوید که با خیال راحت

با بچه‌ها پایتخت را تماشا کرده. ۲۸ ساله است و پایتخت را با خانواده تماشا می‌کرده. روی این نکته هم تاکید می‌کند که

فقط پایتخت را تماشا می‌کند.

از سراسر ایران

«من تا کانال آموزش و پرورش دیدم» این را مادری می‌گوید که به همراه پسرش در ورودی سالن اصلی ایستاده است. ۴۲ ساله است و با خانواده پای تماشای تلویزیون می‌نشیند. پسرش لباس کردی به تن کرده، روی بخشی از نرده ایستاده تا قدش قدری بالاتر بیاید و بتواند آن طرف سالن را ببیند. می‌گوید: فداکاری بهتاش را دوست داشتم که به خاطر خانواده، به سمت خرس رفت. نون‌خ را هم دوست داشتم. دختری آن طرف‌تر ایستاده که ۱۶ ساله است و عاشق پایتخت. می‌گوید احساس می‌کند کل خانواده‌های ایرانی را به شکل واقعی نشان می‌داده. میان صحبت‌هایش جلوتر می‌آید و با خواهش می‌گوید: خاله نمیشه به کاری کنی من بتونم پیام داخل؟ دختر دیگری با فاصله از او ایستاده.

نگاهش که کنی می‌توانی حدس بزنی که نسل Z است و بعد از کمی ایستادن میان این خانواده‌ها، حضور این نسل خیلی چیز عجیبی نیست. خیلی‌های‌شان با دوستان یا خانواده آمده‌اند تا پایتختی‌ها را ببینند. نازنین ۲۲ ساله، معتقد

است که در پایتخت اشتراکات فرهنگی

بسیاری به نمایش گذاشته می‌شد

که برایش جذاب بود. از فصل

قبل سریال را می‌دیده

و نمایش جذابیت

استان‌های



دیگر در قاپ تلویزیون را دوست داشته است. ۵۸ ساله است و می‌گوید، آمده عوامل پایتخت را ببیند. می‌گوید همه فصل‌ها را با بازیخش‌هایی که روی آنتن می‌رفته، تماشا می‌کرده. زن و شوهر دیگری کنار این زن ایستاده‌اند و با صحبت درباره پایتخت، دوباره لبخند به لب‌شان می‌آید. اصالت یکی‌شان شیرازی است اما می‌گوید عروس مازندرانی‌هاست و برایش جذاب است که این قدر واقعی اهالی آن منطقه را به تصویر کشیده‌اند. به نظر مازندرانی‌ها بیشتر لذت می‌برند. نیلوفر ۳۷ ساله، اتفاقی تصمیم گرفته به همراه همسرش به این اکران بیاید. می‌گوید: آخرین بار برای کنسرت در چنین صفی ایستاده بودم اما اینجا خیلی متفاوت‌تر و باشکوه‌تر است. شوهرش می‌گوید تماشا نکرده و به‌خاطر خانواده آمده.

های ۴۵ ساله هم کنار این زن و شوهر ایستاده و نظر این دو را تایید می‌کند. البته این را هم می‌گوید که فصل‌های قبل را

بیشتر دوست داشته است.

روایت‌ها از پایتخت جدید

الهام غفوری، تهیه‌کننده سریال پایتخت در حاشیه مراسم، بارها با پرسشی روبه‌رو می‌شود که این شب‌ها همه به آن اشاره می‌کنند: پایتخت ۸ ساخته می‌شود؟ غفوری می‌گوید: چیزی که مردم ندیده‌اند، این است که ما دو سال است برای نهایی کردن پایتخت تلاش کردیم تا به یک قصه مطلوب برسیم. شکل گرفتن اثری که این قدر با استقبال روبه‌رو شود، قطعاً شرایط تولید سختی را می‌طلبد. تلاش می‌کنیم برای مردم کم نگذاریم. الان دیگر وقت آن است که رسانه‌ها به ما بگویند چطور بوده و از آن بنویسند. همیشه می‌پرسند که پایتخت باز هم ساخته می‌شود؟ اگر مردم بخواهند، همیشه راه آن ادامه پیدا می‌کند. سبروس مقدم هم در قامت کارگردان

نگاه

خانه اوس موسی؛ تماشای بی صدای حقیقت

«پایتخت ۷» و نمایش تصویر انسانی از روحانیت

خانه اوس موسی روایت شد، شاهد حضور شخصیتی از یک روحانی بودیم؛ شخصیتی که با صبوری، وقار، خدمتگزاری بی‌منت و متانت کم‌نظیر، جلوه‌ای واقعی و دلنشین از روحانیت اصیل را به نمایش گذاشت. او نه با خطابه و نصیحت، بلکه با رفتار و منش خود، معنای واقعی روحانی بودن را به تصویر کشید؛ گویی در سکوت متواضعانه‌اش، رسالتی بزرگ نهفته بود.

کار خیر

جمله‌ای که از زبان او جاری شد - «ما برای کار خیر همیشه وقت داریم» - نه فقط یکی از اثرگذارترین جملات در مسیر ترویج معروف‌ها و نیکی‌ها بود، بلکه نمادی از رویکرد بی‌ادعا و خالصانه‌ای بود که می‌تواند دل‌های خسته و گاه بی‌اعتماد جامعه را به حقیقت و معنویت پیوند دهد.



دکتر عباس تصویر فرد کاشف‌اند مذهب

همین‌رو، شایسته می‌دانم به یکی از بخش‌های اثرگذار و ارزشمند این مجموعه اشاره کنم. بخشی که فارغ از کاستی‌ها، توانست پیامی ناب و انسانی را به مخاطب بنشانند و جلوه‌ای روشن از آنچه باید باشد، در قاپ تصویر به نمایش گذارد.

طلوع معنویت

در بخش پایانی سریال پایتخت، در سکانسی که در

اخلاص جاری در صحنه

در همان سکانس، مردم حلاوت و شیرینی حضور یک روحانی مخلص و بی‌ریا را با جان و دل لمس کردند؛ تجربه‌ای که این روزها جامعه بیش از پیش به آن نیاز دارد. در زمانی که برخی افراد ناآگاه یا مغرض، با اقدامات عوام‌فریبانه‌ای چون «عمامه‌پرانی» تلاش داشتند چهره‌ای غیرواقعی از روحانیت ارائه دهند، این سکانس تلویزیونی توانست با نگاهی هنرمندانه، تصویری روشن و امیدبخش از یک روحانی در خدمت جامعه را ترسیم کند؛ روحانی‌ای که نه فقط نماد دین، که مظهر انسانیت، مهربانی و مسئولیت اجتماعی بود. به باور نگارنده، اگر الگوی ارتباط روحانیت با مردم، همچون نقش آفرینی این شخصیت در سریال پایتخت باشد، بی‌تردید مردم با جان و دل پذیرای آن خواهند بود؛ همان‌گونه که این روحانی دلنشین، در خانه اوس موسی، دل‌ها را ربود و نشان داد که تبلیغ دین وقتی با صداقت و تواضع همراه شود، بسیار اثرگذار است و می‌تواند روشنی بخش خانه‌ها و دل‌ها باشد.

قاب



نقاشی‌های سبروس مقدم از «پایتخت ۷»

نمایشگاه نقاشی «پایتخت ۷» به کارگردانی سبروس مقدم، در یکی از گالری‌های تهران برپا خواهد شد. سبروس مقدم در طول تولید این سریال، روزانه پلان‌های گرفته‌شده را به تصویر می‌کشید و نقاشی‌های تیتراژ پایانی نیز از آثار اوست. این کارگردان برای انتقال خواسته‌های خود به گروه، به‌طور مداوم از نقاشی استفاده می‌کند. سبروس مقدم که با سریال‌های معروفی چون نرگس، اغما و پایتخت شناخته می‌شود، تجربه‌های گوناگونی در هنر دارد.